

آمریکا و حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان!

داریوش ارجمندی

روز دوشنبه، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، در یک سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد که کشور متبوعش، تجهیزات نظامی در اختیار گروه‌های مخالف رژیم طالبان، موسوم به ائتلاف شمالی به رهبری «ربانی» رئیس‌جمهور سابق افغانستان خواهد گذاشت. روسیه بدین ترتیب، با مشروعیت بخشیدن به ربانی به عنوان رئیس‌جمهور آینده افغانستان، نقشه‌های خود مبنی بر جایگزینی رژیم طالبان بوسیله ائتلاف شمالی را برملا ساخت. پوتین اگرچه در نطق خود، از تمایل کشور روسیه برای همکاری با آمریکا در جنگ با رژیم طالبان و سرنگونی این رژیم، سخن گفت، اما واقعیت این است که ورود جدی روسیه به غائله افغانستان، نه از زاویه همکاری با آمریکا، که بالعکس، با هدف رقابت با ایالات متحده و به منظور گسترش نفوذ روسیه در افغانستان و تاثیرگذاری بر روند تحولات جاری در این منطقه در جهت منافع سرمایه داری روسیه، صورت می‌پذیرد.

به عبارت دیگر، دولت آمریکا، از سرنگونی طالبان، روی کار آوردن دوباره رژیم اسلامی ربانی را دنبال نمی‌کند. در اظهارنظرهای مقامات آمریکا در رابطه با رژیم جانشین طالبان، بیشتر، یا از «ظاهرشاه»، پادشاه فراری افغانستان و پسر ارشد وی نام برده می‌شود و یا آنکه بدون نام بردن از شخص مشخصی، عبارتی کلی همچون «دولتی تحت نظارت سازمان ملل» بکار برده می‌شود. در حقیقت، آمریکا سالها پیش، بی‌اعتمادی خود نسبت به رژیم ربانی را، از طریق حمایت و تسلیح گروه طالبان، به نمایش گذاشته بود. ایالات متحده، مدت کوتاهی پس از روی کار آمدن رژیم بنیادگرایان اسلامی در افغانستان در سال ۹۲ میلادی، بر این حقیقت واقف شد که رژیم جدید که تمایلی به همکاری با آمریکا و کمپانی‌های نفتی این کشور ندارند. از این رو، در عرض مدت کوتاهی، دولت آمریکا متحدین سابق خود در جنگ علیه قوای نظامی اتحاد شوروی، یعنی دولت مجاهدین را رها کرد و در پی ایجاد متحد جدید در افغانستان، رفت. در این مسیر بود که اتحاد جدیدی میان دولت آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی از یک سو، و یک نیروی بنیادگرای اسلامی بنام طالبان، از سوی دیگر، پی گرفت. درحقیقت مدت‌ها پیش از پیروزی و تسلط طالبان بر کابل، مذاکرات میان نمایندگان این نیرو با نمایندگان دو کمپانی نفتی «یونوکال، Unocal» متعلق به آمریکا، و «دلتا، Delta» متعلق به عربستان سعودی در باره ایجاد خط لوله گاز و نفت از ترکمنستان به هندوستان از مسیر افغانستان و پاکستان، در جریان بود. رهبران جنبش طالبان، قرار بود در ازای دریافت کمک‌های نظامی و اقتصادی در مبارزه علیه رژیم مجاهدین افغان، پس از روی کار آمدن، تسهیلات لازم برای ایجاد خطوط لوله‌های گاز و نفت شرکت‌های آمریکایی و سعودی را فراهم سازند. در این معامله، علاوه بر آمریکا و عربستان سعودی، چند کشور دیگر نیز سهم بودند که عبارتند از پاکستان، امارت متحده عربی و بریتانیا. عجیب نیست که نخستین و تنها کشورهایی که رژیم طالبان را برسمیت شناختند، همین کشورهای پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بودند.

و اما علی‌رغم توافقات یادشده، رژیم طالبان، پس از به قدرت رسیدن، نسبت به تعهدات خود پایبندی نشان نداد و از این رو، دولت آمریکا را در یک تنگنای سخت سیاسی اقتصادی قرار داد. در رقابت و نبرد سختی که میان کشورهای امپریالیستی بر سر تسلط به حوزه‌های نفت و گاز کشورهای حاشیه دریای خزر، وجود دارد، از دست دادن افغانستان به عنوان یک متحد، ضربه شدیدی برای آمریکا و شرکت‌های نفتی این کشور به حساب می‌آید. به همین دلیل، ایالات متحده، بار دیگر به پی‌ریزی مقدمات ساقط کردن رژیم جدید افغانستان را که همچون رژیم گذشته، با کمک‌های خود او به قدرت رسیده بود، اقدام نمود. چند روز پیش شبکه خبری «بی بی سی» به نقل از یک دیپلمات پاکستانی، فاش ساخت که دولت آمریکا و سازمان سیا، ماه‌ها پیش از عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر در خاک آمریکا، نقشه حمله نظامی به افغانستان را تهیه کرده بودند. براساس گزارش بی بی سی، مقدمات این طرح در ماه جولای، یعنی دو ماه پیش فراهم شده بوده و قرار بوده در ماه اکتبر، یعنی ماه

آینده، به مرحله اجرا درآید. دیپلمات پاکستانی در ادامه گفتگو با بی بی سی، مدعی شد که نماینده دولت آمریکا به وی هشدار داده که چنانچه دولت افغانستان بن لادن را به مقامات آمریکایی تحویل ندهد، وی - بن لادن - به همراه رهبر طالبان، ملا عمر، اعدام شده، یک دولت طرفدار آمریکا در افغانستان بر سر کار آورده خواهد شد.

البته تا این لحظه، نمی توان از صحت و سقم اظهارات دیپلمات پاکستانی اطمینان داشت، اما به هر حال تردیدی نیست که منافع استراتژیک آمریکا در افغانستان و منطقه آسیای میانه، با ادامه حیات رژیم طالبان در تضاد قرار دارد و از این رو می توان اطمینان داشت که طراحان سیاست خارجی آمریکا، از مدتها پیش تدابیر ضروری برای تأمین این منافع را در نظر گرفته باشند. واقعه دو هفته پیش، تنها بهانه ای بدست آمریکا داد که طرح های خود را، شاید با کمی تأخیر و اصلاح، به اجرا درآورد، اما هسته اصلی این طرح ها، یعنی گسترش حوزه نفوذ آمریکا در منطقه و تأمین منافع شرکت های نفتی این کشور در منطقه آسیای میانه، تغییری نیافته است. در این میان، آنچه از سوی آمریکا و سایر کشورهای سرمایه داری، به عمد نادیده گرفته می شود، حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان است. یکی خواهان بازگرداندن رژیم سلطنتی به افغانستان است، و دیگری می خواهد رژیم طالبان را با رژیم دیگری از همان نوع جایگزین کند. در معادلات سرمایه جهانی، مردم افغانستان، از ابتدایی ترین حق خود، یعنی حق تعیین سرنوشت و نوع حکومت خود، محروم می شوند.